

نقش کنترل‌های داخلی اثربخش در حسابرسی و ارتباط آن با مدیریت ریسک



نوید جوادی

فرایند تبدیل شرکت‌ها به بنگاه‌های تجاری بزرگ مانع از نظارت شخصی و مستقیم مدیران بر تمام عملیات شرکت شده است و همچنین مدیران اجرایی دیگر نمی‌توانند برای ارزیابی عملکرد و وضعیت شرکت بر مشاهدات شخصی اتکا کنند. لذا به گزارش‌های مالی و آماری متکی می‌شوند و وجود سیستم کنترل داخلی به عنوان فنی حساس و حیاتی برای مدیریت ضرورت می‌یابد. سیستم کنترل داخلی به منظور اطمینان از قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری، رعایت رویه‌های شرکت و ایفای مسئولیت مدیران بوده به‌طوری که تمامی تصمیمات تجاری تقریباً براساس اطلاعات حسابداری گرفته می‌شود و دامنه‌ی آن از مسایل صدور مجوز کار تا تغییر نوع تولید گسترده شده است. مدیران همواره در تلاش‌اند که بهترین کنترل‌های داخلی را در سازمان خود مستقر کنند؛ چراکه می‌دانند که در نبود سیستم کنترل داخلی اثربخش،

تحقق رسالت اصلی سازمان و کمینه کردن رویدادهای غیرمنتظره بسیار مشکل خواهد بود. از طرفی وجود این کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک از دست دادن دارایی‌ها و دستیابی به اطمینان معقول از اعتمادپذیری صورت‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات خواهد شد در این مقاله نقش کنترل‌های داخلی اثربخش در حسابرسی و ارتباط آن با مدیریت ریسک بررسی شده است. هدف پژوهش بررسی میزان اثربخشی سیستم کنترل‌های داخلی در شرکت‌ها و تأثیر آن بر حسابرسی و مدیریت ریسک است.

مقدمه

کنترل داخلی فرایندی جامع و فراگیر است که مدیریت و کارکنان شرکت به آن جریان می‌دهند و برای شناسایی احتمال خطرات برنامه‌ریزی می‌شود و اطمینان معقول ایجاد می‌کند که در اجرای مأموریت‌های

شرکت، اهداف عمومی عملیات (اجرای منظم عملیات، مبتنی بر اخلاقیات و با رعایت صرفه‌ی اقتصادی و کارآمدی) محقق می‌شوند و مسئولیت‌های پاسخ‌گویی و حساب‌دهی، با رعایت قوانین و مقررات لازم‌الاتباع ایفا گردیده و حفاظت از منابع در مقابل آسیب و صدمات و سوءاستفاده و خسارات انجام می‌گیرد. (صابری، ۱۳۸۸)

محدودیت‌های سیستم کنترل داخلی

سیستم کنترل داخلی عاملی مؤثر در پیشگیری از تقلب و حصول اطمینان از قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری است. اما باید پذیرفت که در هر سیستم کنترل داخلی، محدودیت‌هایی ذاتی وجود دارد. این محدودیت‌ها عبارتند از:

- ۱- مقرون به‌صرفه نبودن یک سری کنترل‌ها که هزینه‌بر هستند.
- ۲- وقتی ذاتاً امکان کنترل برای برخی فعالیت‌ها و عملیات وجود ندارد.

ارزیابی سیستم کنترل داخلی توسط حسابرسان

حسابرسان برای برنامه‌ریزی و تعیین نوع، زمان‌بندی و میزان آزمون‌هایی که باید اجرا شود، حتماً باید شناخت کافی از ساختار کنترل داخلی کسب کنند که این شناخت مبنایی را هم برای برنامه‌ریزی حسابرسی و هم برای برآورد احتمال خطر کنترل فراهم می‌آورد. در برنامه‌ریزی حسابرسی، شناخت کافی از محیط کنترلی، سیستم حسابداری و روش‌های کنترل صاحب‌کار برای حسابرسان ضروری است. این شناخت، هم شامل طراحی رویه‌ها، روش‌ها و مدارک و هم آگاهی از اعمال شدن و نشدن آن‌هاست. حسابرسان با داشتن این شناخت می‌توانند انواع تحریف‌های صورت‌های مالی را شناسایی و آزمون‌های محتوای مؤثرتری را برای رسیدگی به اقلام صورت‌های مالی طراحی کنند.

شناخت حسابرسان از ساختار کنترل داخلی، مبنایی را برای برآورد احتمال خطر کنترل (احتمال وجود تحریف در سیستم کنترل داخلی صاحب‌کار و احتمال عدم کشف) را برای حسابرسان فراهم می‌آورد. چنان‌چه حسابرسان به این نتیجه برسند که سیستم کنترل داخلی صاحب‌کار مؤثر است، احتمال خطر کنترل را در سطح پایین تعیین خواهند کرد. بدین ترتیب، حسابرسان می‌توانند احتمال خطر عدم کشف زیاده‌تری را بپذیرند و در نتیجه، آزمون‌های محتوا می‌تواند کاهش یابد. برعکس، در جایی که سیستم کنترل داخلی ضعیف است، احتمال خطر کنترل زیاد است و حسابرسان برای کاستن از احتمال خطر عدم کشف باید بر میزان آزمون‌های محتوای خود بیفزایند.

مراحل ارزیابی ساختار کنترل داخلی صاحب‌کار توسط حسابرسان

۱- کسب شناخت کافی از ساختار کنترل

داخلی برای برنامه‌ریزی حسابرسی حسابرسان در هر حسابرسی باید شناختی از ساختار کنترل داخلی واحد مورد رسیدگی به‌دست آورند که برای برنامه‌ریزی حسابرسی، کافی باشد و این شامل کسب شناختی از محیط کنترلی، سیستم حسابداری و روش‌های کنترل است.

۲- برآورد احتمال خطر کنترل و طراحی آزمون‌های اضافی کنترل‌ها

حسابرسان پس از تکمیل تشریح سیستم کنترل داخلی در کاربرگ‌های خود، برآورد اولیه‌ای از احتمال خطر کنترل به‌عمل می‌آورند و آزمون‌های رسیدگی اضافی را طراحی می‌کنند. هدف اصلی حسابرسان در این مقطع، تعیین این است که کدام‌یک از کنترل‌های داخلی، ارزش آزمون‌های اضافی را دارد.

۳- اجرای آزمون‌های اضافی کنترل‌ها حسابرسان از آزمون کنترل‌ها برای کسب شواهدی استفاده می‌کنند که نشان دهد سیاست یا روش مورد آزمون، به‌گونه‌ای اعمال می‌شود که از تحریف‌های با اهمیت پیشگیری یا آن‌ها را کشف کند. به عبارت دیگر، آزمون کنترل‌ها برای ارزیابی مؤثر بودن طراحی کنترل‌ها و نیز اعمال آن‌ها به کار می‌رود.

۴- برآورد مجدد احتمال خطر کنترل و طراحی آزمون‌های محتوا

حسابرسان پس از اجرای آزمون کنترل‌ها در شرایطی قرار می‌گیرند که بتوانند احتمال خطر کنترل را دوباره برآورد کنند. براساس این برآورد نهایی، برنامه‌ی حسابرسی اثبات مانده‌ی حساب‌ها تعدیل می‌شود؛ روش‌های رسیدگی به قسمت‌های با احتمال خطر کنترل حداکثر، گسترش می‌یابد و روش‌های رسیدگی به قسمت‌های با احتمال خطر کنترل کم، کاهش می‌یابد. حسابرسان تنها پس از

این ارزیابی مجدد از احتمال خطر کنترل، در شرایطی قرار می‌گیرند که بتوانند یک برنامه‌ی حسابرسی کاملاً متناسب با کار حسابرسی را بنویسند برآورد حسابرسان از احتمال خطر کنترل قاعدتاً قسمت‌هایی از سیستم را مشخص می‌سازد که بیش‌ترین احتمال خطر کنترل را دارد یا برعکس، قسمت‌هایی که احتمال خطر کنترل آن کم‌تر از حداکثر است.

اجزای کنترل‌های داخلی

- محیط کنترلی
- ارزیابی ریسک
- فعالیت‌های کنترلی
- اطلاعات و ارتباطات
- نظارت

حال با توجه به اجزا یادشده می‌توان نتیجه گرفت که کنترل داخلی بخش جدانشدنی مدیریت ریسک است و چارچوب مدیریت ریسک شرکت، کنترل داخلی را نیز در بر می‌گیرد و در نهایت این که کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک با هم در ارتباط هستند و برخی از اجزای آن‌ها مشابه است. برای بیان ارتباط این دو موضوع هریک از این اجزا را توضیح می‌دهیم.

۱. محیط ریسک

محیط ریسک، آهنگ سازمان را تعیین می‌کند و بر آگاهی همه‌ی افراد تأثیرگذار است. در ضمن مبنایی برای سایر اجزای مدیریت ریسک بوده، انضباط و ساختار ایجاد می‌کند. عوامل محیطی داخلی شامل فلسفه‌ی مدیریت ریسک، ریسک‌پذیری شرکت، نظارت هیأت مدیره، درست‌کاری و ارزش‌های اخلاقی، کفایت کارکنان و شیوه‌ای است که مدیریت، اختیارات و مسئولیت‌ها را تفویض می‌کند و کارکنان را سازمان‌دهی می‌کند و توسعه می‌دهد. فلسفه‌ی مدیریت ریسک شرکت مجموعه‌ی باورها و نگرش‌هایی است که نگاه شرکت به ریسک

در همه‌ی فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد از تعیین استراتژی تا عملیات روزانه را شکل می‌دهد و بر فرهنگ و شیوه‌ی عمل شرکت از جمله نحوه‌ی شناسایی ریسک، نوع ریسک مورد پذیرش و نحوه‌ی مدیریت ریسک تأثیرگذار است.

۲. تعیین اهداف

اهداف در سطح استراتژیک تعیین می‌شوند و مبنایی برای عملیات گزارش‌گری و تعیین اهداف در سطوح پایین ایجاد می‌کنند. هر شرکت با انواع ریسک‌ها سروکار دارد که می‌تواند خاستگاه درونی یا بیرونی داشته باشند. پیش‌شرط شناسایی مؤثر رویدادها، ارزیابی ریسک و پاسخ ریسک، تعیین اهداف است. پیش از آن که مدیریت قصد شناسایی و ارزیابی ریسک را داشته باشد باید اهداف تعیین شوند، تا بتوان اقدامات لازم را برای تخفیف ریسک اتخاذ کرد. اهداف در راستای ریسک‌پذیری شرکت است که تحمل ریسک شرکت را مشخص می‌کنند.

۳. شناسایی رویداد

رویدادها، اتفاقات یا رخدادهایی هستند که ناشی از منابع درونی یا بیرونی بوده و بر اعمال استراتژی یا رسیدن به اهداف اثرگذار هستند. رویدادها می‌توانند تأثیر مثبت، منفی و یا هر دو را داشته و می‌توانند واضح یا مستتر باشند و آثار آن‌ها نیز می‌تواند بی‌اهمیت یا بسیار مهم باشند. البته برای اجتناب از غفلت کردن از رویدادها، بهتر است شناسایی رویدادها مستقل از ارزیابی احتمال وقوع آن و پیامدهای آن صورت گیرد. مدیریت، رویدادهای بالقوه‌ای که در صورت وقوع بر شرکت تأثیر می‌گذارند را شناسایی می‌کند. رویدادها باید بر مبنای این که آیا نماینده‌ی فرصت‌ها هستند و یا برعکس بر توانایی شرکت در اعمال موفقیت‌آمیز استراتژی‌ها تأثیر منفی

داشته باشند (ریسک)، طبقه‌بندی شوند. هنگام شناسایی رویدادها، مدیریت، در چارچوب کلی شرکت، عوامل درونی و بیرونی متنوعی را در نظر می‌گیرد که می‌توانند موجب بروز ریسک یا فرصت شوند. تکنیک‌های شناسایی رویدادها هم به گذشته و هم به آینده نگاه می‌کنند. تکنیک‌هایی که برگزیده تمرکز دارند شامل مواردی چون گزارش‌ها و حساب‌های سالانه و گزارش‌های داخلی است. تکنیک‌هایی که بر آینده تمرکز دارند، مواردی چون تغییرات جمعیتی، شرایط جدید بازار و تغییرات مورد انتظار محیط سیاسی را در نظر می‌گیرند. تکنیک‌ها از نظر پیچیدگی و خودکار بودن بسیار متفاوت‌اند و می‌توانند نگاه پایین به بالا یا برعکس به رویدادها داشته باشند.

۴. ارزیابی ریسک

ارزیابی ریسک به شرکت این اجازه را می‌دهد که میزان تأثیرگذاری رویدادهای بالقوه بر دستیابی به اهداف را در نظر بگیرد. مدیریت باید با استفاده از ترکیبی از تکنیک‌های کمی و کیفی رویدادها را از دو منظر، تأثیرگذاری و احتمال وقوع، ارزیابی کند. تأثیرات مثبت و منفی رویدادها بر دستگاه

را می‌توان تک‌تک و یا با توجه به طبقه‌ی تأثیرگذاری ارزیابی کرد. ریسک‌ها باید بر مبنای ذاتی یا پسماند بررسی شوند. هرچند واژه‌ی ارزیابی ریسک گاهی به‌عنوان فعالیتی یک‌باره تعبیر می‌شود، اما در چارچوب مدیریت ریسک شرکت، جز ارزیابی ریسک فعل و انفعالی پیوسته و تکراری از اقدامات است که در تمام شرکت صورت می‌گیرد. هدف ارزیابی ریسک این است که رویدادهای بااهمیتی که باید مورد توجه مدیریت قرار گیرند، شناسایی شوند و عدم قطعیت رویدادهای بالفعل باید از دیدگاه احتمال وقوع و تأثیرگذاری دیده شوند. احتمال وقوع یعنی احتمال واقع شدن رویداد در یک دوره‌ی زمانی مشخص و تأثیرگذاری یعنی میزان تأثیری که رویداد بر توانایی دستگاه برای رسیدن به اهداف بر جا می‌گذارد. دوره‌ی زمانی که مدیریت طی آن اقدام به ارزیابی احتمال وقوع می‌کند باید با افق زمانی استراتژی و هدف سازگار باشد. مهم‌ترین ریسک‌ها آن‌هایی است که بیش‌ترین احتمال و بالاترین تأثیر را دارند. برعکس، بی‌اهمیت‌ترین ریسک‌ها آن‌هایی است که کم‌ترین احتمال وقوع و کم‌ترین تأثیرگذاری را دارند. نتیجه‌ی نهایی این فرایند تخصیص دادن درجه‌ای برای احتمال



وقوع و تأثیر گذاری به هر ریسک است. بعضی دستگاه‌ها از درجه‌بندی کم و زیاد استفاده می‌کنند و در برخی از اندازه‌گیری‌های کمی از جمله نمره‌های درصدی استفاده می‌شود.

۵. پاسخ ریسک

با ارزیابی ریسک مربوطه، مدیریت درباره‌ی پاسخ خود تصمیم می‌گیرد. روش‌های برخورد با ریسک شناسایی شده شامل انتقال ریسک، علاج ریسک، لغو اقدامات و تحمل ریسک است. هنگام بررسی پاسخ، مدیریت با هدف انتخاب پاسخی که ریسک باقی‌مانده را در دامنه‌ی تحمل ریسک مورد نظر قرار دهد به ارزیابی تأثیر بر احتمال وقوع و تأثیر گذاری همچنین هزینه و منافع هر پاسخ می‌پردازد. مدیریت باید فرصت‌های موجود را شناسایی کند و نگاهی کلان و مجموعه‌ای به ریسک داشته باشد.

پاسخ ریسک دارای طبقه‌های زیر است:

- انتقال ریسک: کاهش احتمال وقوع یا تأثیر گذاری ریسک از طریق انتقال یا تشریک قسمتی از آن.
- کاهش ریسک: با اکثر ریسک‌ها این گونه برخورد می‌شود.
- اجتناب یا لغو فعالیت‌ها: خارج شدن از

فعالیت‌های ایجاد کننده‌ی ریسک.

- پذیرش یا تحمل: بدان معنا که هیچ اقدامی برای تخفیف احتمال وقوع ریسک یا تأثیر آن صورت نگیرد.

۶. فعالیت‌های کنترلی

فعالیت‌های کنترلی سیاست‌ها و روش‌هایی است که به حصول اطمینان از اجرای صحیح پاسخ مدیریت به ریسک کمک می‌کند. فعالیت‌های کنترلی در تمام شرکت‌ها در همه‌ی سطوح و در همه‌ی فعالیت‌ها انجام می‌شوند مدیریت ریسک، فعالیت‌های کنترلی را بخش مهمی از فرایندی که شرکت طی آن سعی در دستیابی به اهداف تجاری خود دارد، به شمار می‌آورد. فعالیت‌های کنترلی صرفاً به‌خاطر خود و یا به این دلیل که به نظر می‌رسد اعمال آن‌ها کار درستی باشد، انجام نمی‌شود بلکه به‌عنوان ابزاری برای مدیریت رسیدن به اهداف تجاری شرکت به کار گرفته می‌شوند. هرچند فعالیت‌های کنترلی به‌طور کلی برای کسب اطمینان از اعمال صحیح پاسخ‌های ریسک اعمال می‌شوند، درخصوص برخی اهداف، فعالیت‌های کنترلی خود پاسخ ریسک است. انتخاب یا مرور فعالیت‌های کنترلی بایستی شامل بررسی

مربوط و مناسب بودن آن‌ها با پاسخ ریسک و اهداف مربوطه باشد از آن‌جا که هر شرکتی اهداف و روش اعمال مخصوص به خود را داراست، پاسخ‌های ریسک و فعالیت‌های کنترلی مربوطه نیز متفاوت است، ولو آن‌که دو شرکت از اهداف یکسان برخوردار باشند و تصمیمات مشابهی را درخصوص نحوه‌ی رسیدن به آن اتخاذ کنند باز فعالیت‌های کنترلی نتیجه شده از آن‌ها متفاوت خواهند بود دلیل این امر اختلاف در میزان ریسک و تحمل ریسک گروه‌ها است.

۷. اطلاعات و ارتباطات

مدیریت ریسک شرکت به‌طور مشخص اقتضا می‌کند که شرکت دامنه‌ی اطلاعات خود را فراتر از آن چیزی که برای رسیدن به اهداف کنترل‌های داخلی احتیاج است انتخاب کند. برای مثال تمرکز بر اهداف استراتژیک مستلزم اطلاعات بیش‌تری از خروجی و نتیجه است. به‌علاوه موارد استفاده‌ای که این اطلاعات را برای آن به کار می‌گیرند نیز متفاوت است. به‌طور تاریخی اطلاعات این امکان را فراهم می‌سازد که شرکت بتواند عملکرد خود را با اهداف، برنامه‌ها و انتظارات مقایسه کند و وقوع رویدادهای بالقوه‌ای را که



نیاز به توجه مدیریت دارد به موقع اخطار کند. اطلاعات موجود به مدیریت اجازه می‌دهد تا در زمان واقعی به ریسک‌های موجود در شرکت یا فرایند تجاری نگاهی داشته باشد و اختلاف از انتظارات را تشخیص دهد. در نتیجه، شرکت بتواند تشخیص دهد که آیا در دامنه‌ی تحمل ریسک مشغول فعالیت است یا خیر؟ اطلاعات مرتبط باید شناسایی، گردآوری و انتقال داده شود به گونه‌ای که کارکنان بتوانند وظایف‌شان را به خوبی انجام دهند. این که افراد مناسب، در زمان مناسب و در جای مناسب به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند برای مدیریت ریسک دستگاه ضروری است.

از سوی دیگر، ارتباطات باید از بالا به پایین، پایین به بالا (طولی) و به صورت عرضی به طور مؤثر جریان داشته باشد. همه‌ی کارکنان باید از مدیر ارشد این پیغام را دریافت کنند که مسئولیت‌های مربوط به مدیریت ریسک شرکت باید جدی گرفته شوند. آن‌ها باید نقش خود را در فرایند مدیریت ریسک شرکت و نحوه‌ی ارتباط آن با کار دیگران را بفهمند. کارکنان باید ابزاری برای

انتقال اطلاعات با اهمیت به سطح مناسبی از مدیریت در اختیار داشته باشند. همچنین می‌باید ارتباطات مؤثری نیز با سهام‌داران برون سازمانی وجود داشته باشد. ارتباطات در ذات سیستم‌های اطلاعاتی وجود دارد. ارتباطات علاوه بر فراهم کردن اطلاعات برای افراد به منظور تسهیل وظایف‌شان، باید شامل مفاهیم گسترده‌تری بوده و به ترویج فرهنگ سازمانی، برخورد با انتظارات، پوشش دادن مسئولیت افراد و گروه‌ها و سایر موارد مرتبط بپردازد. مدیریت ارتباطات داخلی معین و هدایت شده‌ای را فراهم می‌سازد که انتظارات رفتاری و مسئولیت افراد را پاسخ‌گو باشد. این شامل بیان فلسفه و رویکرد مدیریت ریسک شرکت است. ارتباط باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

- اهمیت و مربوط بودن مدیریت ریسک شرکت
- اهداف شرکت
- زبان مشترک برای شناسایی و ارزیابی ریسک
- نقش و مسئولیت کارکنان در تأثیرگذاری و

حمایت از اجزای مدیریت ریسک همچنین باید روشهایی وجود داشته باشد که کارکنان بتوانند اطلاعات مربوط به ریسک را به مدیران صف و ستاد سازمان انتقال دهند. کارکنان صف که به طور روزانه با موارد اجرایی بحرانی سروکار دارند از بهترین موقعیت برای تشخیص مشکلات به محض وقوع برخوردارند. برای گزارش کردن این اطلاعات بایستی مجراهای باز و تمایل به گوش کردن وجود داشته باشد. اگر فرهنگ سازمانی از نوع نامتناسب باشد کارکنان مشکلات را با مافوق خود در میان نمی‌گذارند و ریسک‌ها به موقع شناسایی نمی‌شوند. در بیش‌تر مواقع خطوط گزارش‌دهی معمولی بهترین مجرای ارتباط با بالا است. البته شرایطی وجود دارد که خطوط ارتباط دیگر ضرورت پیدا می‌کنند به دلیل اهمیت آن، مدیریت ریسک مؤثر محتاج وجود یک کانال ارتباطی جایگزین است که مستقیماً با مدیریت ارشد ارتباط برقرار کند و همه‌ی کارکنان بدون هرگونه واکنشی به آن دسترسی داشته باشند.

۸ نظرات

مدیریت ریسک شرکت باید پایش شود تا عملکرد اجزای آن در طی زمان مورد ارزیابی قرار گیرد. این کار می‌تواند از طریق فعالیت‌های نظارتی مستمر و یا ارزیابی‌های مجزا و یا به هر دو روش صورت گیرد. کمبودهای سیستم مدیریت ریسک باید به سطوح مناسب مدیریتی و موارد جدی به مدیریت ارشد یا هیئت مدیره گزارش شوند تا فرایندها بهبود پیدا کنند. اهداف هر شرکت امکان دارد در طی زمان تغییر کنند. مجموعه‌ی ریسک و اهمیت نسبی آن‌ها نیز به مرور زمان تغییر می‌کند. پاسخ‌ها به ریسک که زمانی مؤثر بوده‌اند، امکان دارد بی‌ربط و یا غیرقابل اجرا بشوند و فعالیت‌های کنترلی ممکن است کم‌اثر و یا به‌طور کلی بی‌فایده شوند. لازم است که مدیریت به‌طور مستمر مؤثر بودن سیستم مدیریت ریسک را تحت نظر قرار دهد تا مشخص شود که آیا هنوز کارآ و مؤثر است یا خیر. ارزیابی مؤثر بودن مدیریت ریسک از نظر بعد و تناوب تکرار با توجه به اهمیت گروه‌های ریسک و پاسخ‌های ریسک و کنترل‌های مرتبط با مدیریت آن ریسک‌ها،

متفاوت است. هنگامی که مدیریت تصمیم به انجام یک ارزیابی جامع از چارچوب مدیریت ریسک می‌گیرد، باید توجه شود که همه‌ی جنبه‌های فرایند از جمله تعیین استراتژی، مورد بررسی قرار گیرند. البته فعالیت‌های مدیریتی معمولی از جمله به‌روزرسانی ثبت ریسک و بررسی سلامت سازمان‌ها یا عملکردها نیز بخشی از نظارت بر فرایند مدیریت ریسک است.

سخن آخر

گزارش‌های مالی به‌عنوان محصول نهایی فرایند حسابداری است که این گزارشگری تحت تاثیر کنترل‌های داخلی است در چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری هدف گزارشگری مالی فراهم آوردن اطلاعات مالی سودمند جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و انجام وظایف پاسخ‌گویی و ارزیابی عملکرد سازمانی و مدیریت است هدف اصلی فرایند گزارشگری مالی آماده کردن اطلاعات مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی برای کلیه‌ی استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری مالی بوده و ضرورت وجود سیستم کنترل داخلی در شرکت‌ها، امروزه

به‌خوبی احساس می‌شود. زیرا سیستم کنترل داخلی اگر به‌درستی طراحی و اجرا شود، باعث دقت عمل و کارایی سیستم‌های اطلاعاتی می‌شود و کیفیت گزارشگری را بهبود می‌بخشد و از این‌رو طراحی و اجرای مطلوب کنترل‌های داخلی در شرکت‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به‌همین دلیل، مدیران باید برای تأمین اطمینان نسبی از دستیابی به هدف‌های پیش‌بینی‌شده، مدیریت ریسک، حسن اجرای فعالیت‌ها در کلیه‌ی زمینه‌ها، جلوگیری از هر گونه اختلاس، تقلب و استفاده‌ی نادرست از منابع و دارایی‌ها و تحقق مسئولیت پاسخ‌گویی و حسابداری نسبت به فعالیت‌های انجام‌شده، به طراحی و اجرای سامانه‌ی کنترل داخلی مناسب بپردازند. ارزیابی مؤثر بودن مدیریت ریسک از نظر بعد و تناوب تکرار با توجه به اهمیت گروه‌های ریسک و پاسخ‌های ریسک و کنترل‌های مرتبط با مدیریت آن ریسک‌ها، متفاوت است. هنگامی که مدیریت تصمیم به انجام یک ارزیابی جامع از چارچوب مدیریت ریسک می‌گیرد، باید توجه شود که همه‌ی جنبه‌های فرایند از جمله تعیین استراتژی، مورد بررسی قرار گیرند. ■

منابع

- ۱- صابری محمد، رهنمودهای ایتوسای برای استانداردهای کنترل داخلی در بخش عمومی، انتشارات دیوان محاسبات، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۸
- ۲- قربانی محمد، ارزیابی مدیریت از کنترل‌های داخلی، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۱۲، سال چهارم، بهار ۱۳۸۶
- ۳- کرباسی‌یزدی حسین، استانداردهای
- کنترل داخلی در دولت، فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴
- ۴- محمدی جمال، اصول حسابرسی، انتشارات رسپینا، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۵- شعری صابر، کاوه آذین‌فر، سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و کنترل‌های داخلی، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۸۴، تیر ۱۳۸۶
- ۶- زارعی، محسن؛ عبدی، سعید،
- "کنترل‌های داخلی و مشکلات آن در بخش دولتی"، فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۹.
- ۷- استاندارد ایتوسای "استانداردهای کنترل داخلی برای بخش عمومی، اطلاعات بیشتر درخصوص مدیریت ریسک دستگاه‌های اجرایی"، شماره ۹۱۳۰